

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

رسوخ تعالیم یهودیان

در

باور مسلمانان

۲۷ مهر ۱۳۹۰

۲۱ ذی القعدة ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾^(۱) .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و همراه با صادقان باشید .

چکیده‌ی سخن

در جلسات گذشته بیان شد اولین و مهم‌ترین معیار برای شناخت انسان صادق، ایمان به پروردگار متعال می‌باشد. برای رسیدن به ایمان، ابتدا باید خداوند به خوبی شناخته شود. در همین راستا، در جلسات قبل، به تشریح باورهای فاسد و ننگین اهل سنت در توصیف پروردگار پرداخته و احادیث مختلفی از منابع معتبر آنان بیان نمودیم. اکنون به بررسی عقاید آنان در این زمینه می‌پردازیم.

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۹.

شبهه سازی برای پروردگار

همانطور که در جلسه‌ی گذشته بیان شد، اهل سنت برای پروردگار، صورتی همچون صورت انسان ترسیم کرده‌اند. اکنون در این زمینه، به برخی از روایات جعلی از منابع اهل سنت، اشاره می‌کنیم.

حدیث اول: ابوهریره از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند:

«خلق الله آدم على صورته، طوله ستون ذراعاً، فلما خلقه قال: اذهب، فسلم على أولئك النفر من الملائكة جلوس، فاستمع ما يحيونك، فأتها تحيتك وتحية ذريتك. فقال: السلام عليكم. فقالوا: السلام عليك ورحمة الله، فزادوه ورحمة الله فكل من يدخل الجنة، على صورة آدم، فلم يزل الخلق ينقص بعد حتى الآن»^(۱).

خداوند آدم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به صورت خود (خدا) و به طول شصت ذراع (حدوداً سی متر!) خلق نمود، سپس به او امر نمود که برو و به این گروه از ملائکه که نشسته‌اند، سلام کن و بر آنچه در جواب سلام تو می‌گویند، گوش فراده! که همانا جواب آنان، تحیت و سلام بر تو و بر ذریه‌ی تو خواهد بود. آدم عَلَيْهِ السَّلَام نزد ملائکه آمد و گفت: «السلام عليكم» ملائکه گفتند: «السلام عليكم ورحمة الله» و جمله‌ی «ورحمة الله» را اضافه نمودند. پس هر کس وارد بهشت شود، به صورت آدم

۱. صحیح بخاری، جلد ۷، صفحه ۱۲۵؛ جلد ۴، صفحه ۱۰۲؛ صحیح مسلم، جلد ۸، صفحه ۱۴۹؛ مسند أحمد، جلد ۲، صفحه ۳۱۵.

خواهد بود. انسان‌ها پس از آدم تا کنون، روز به روز کوچک شدند. ۱۴۶

حدیث دوم: ابوهریره از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل می‌کند:

«إِذَا قَاتَلَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ، فَلْيَجْتَنِبِ الْوَجْهَ، فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلِيَّ صُورَتِهِ»^(۱).

وقتی یکی از شما با برادرش نزاع و مخاصمه می‌کند، از صدمه زدن به صورت طرف مقابل خودداری نماید، زیرا خداوند، انسان را به صورت خودش آفریده است.

حدیث سوم: بخاری در کتاب «أدب المفرد» از ابوهریره نقل می‌کند:

«لَا تَقُولَنَّ قَبِيْحَ اللَّهِ وَجْهَ مَنْ أَشْبَهَ وَجْهَكَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ آدَمَ عَلِيَّ صُورَتِهِ»^(۲).

هرگز به کسی نگویید که خداوند صورت تو و صورت کسی که شبیه صورت توست را زشت کند؛ زیرا خداوند آدم را به صورت خودش آفریده است.

آنچه از این احادیث استفاده می‌شود این است که اولاً: خداوند دارای صورت است، از سوی دیگر می‌دانیم هر موجودی که صورت دارد، جسمانی بوده و تمام ویژگی‌های جسم را داراست. یکی از ویژگی‌های جسم، داشتن طول و عرض می‌باشد. عینی؛ یکی از شارحین صحیح بخاری؛ می‌گوید: در حدیث اول، طول قامت آدم شصت ذراع (حدود سی متر) تعیین گردیده است؛ ولی مقدار عرض آدم

۱. صحیح مسلم، جلد ۸، صفحه ۳۲؛ مسند أحمد، جلد ۲، صفحه ۴۶۳.

۲. أدب المفرد، صفحه ۴۷؛ مسند أحمد، جلد ۲، صفحه ۴۳۴.

ذکر نشده است؛ اما بر اساس دیگر روایات، عرض آدم، هفت ذراع (حدوداً سه و نیم متر) بوده است^(۱). ثانیاً: صورت خداوند به صورت انسان تشبیه می‌شود که به احترام همین شباهت، نباید به صورت انسان سیلی زد. بن باز^(۲)، تشبیه خداوند به انسان را رد می‌کند و می‌گوید:

«ولا يلزم على ذلك التشبيه، فإنَّ الله سَمَّى نفسه بأسماءٍ سَمَّى بها خلقه ووصف نفسه بصفاتٍ وَصَفَ بها خلقه... لأنَّ الاشتراك في الاسم وفي المعنى الكلِّي لا يلزم منه التشبيه في ما يخصُّ كلاً منهما لقوله تعالى: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^(۳)».

شبیه سازی برای خداوند لازم نمی‌آید. زیرا همانا پروردگار، برای خودش نام‌هایی گذاشته است که به همان نام‌ها، بندگان‌اش را نام‌گذاری کرده بود و خداوند خودش را به اوصافی معرفی کرده است که بندگان‌اش را با همان اوصاف، توصیف کرده بود... برای آن که اشتراک در اسم و معنای کلی، تشبیه در هر آن چه که از مختصات هر کدام می‌باشد را لازم نمی‌آورد. زیرا خداوند می‌فرماید: «هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست».

بن باز و پیروان‌اش؛ که خود را مفتی، متکلم و فقیه می‌دانند؛ در باورهایشان، خداوند را به صورت انسان تشبیه می‌کنند؛ اما در کلام‌شان، این تشبیه را قبول

۱. عمدة القاری، جلد ۲۲، صفحه ۲۲۹.

۲. وی مفتی اعظم و هابیت در کشور عربستان سعودی بوده و در سال ۱۴۲۰ هـ.ق درگذشت.

۳. سوره شوری، آیه ۱۱.

۴. فتاوی بن باز، جلد ۴، صفحه ۳۶۸.

ندارند. آن‌ها بر این باوراند: ^(۱)

الف - خداوند، دست و صورت دارد و در تعداد انگشتان دست، اختلاف دارند که آیا خداوند پنج انگشت دارد یا شش انگشت!

ب - پروردگار، دارای پا و ساق پا می‌باشد و اگر کسی خداوند را نشناخت، به محض رویت ساق پایش، خداوند را می‌شناسد.

ج - خداوند، جرم، وزن و سنگینی دارد و هنگامی که از مکانی به عرش و تخت خود رجوع می‌کند، عرش پروردگار تحمل سنگینی او را نداشته و صدای ناله سر می‌دهد.

د - در تمام قرون و اعصار، خداوند دارای مکان بوده است و قبل از اینکه عرش خود را در آسمان خلق کند، میان ابر ضخیمی، زندگی می‌کرده است.

بن باز و پیروان اش، با وجود این باورهای باطل و ننگین، تشبیه به خداوند را انکار می‌کنند؛ در حالی که تشبیه سازی پروردگار توسط علمای اهل سنت، یکی از موارد بدیهی، مسلم و غیر قابل انکار می‌باشد. اگر شخصی نزد قاضی برود و بگوید: فلانی به من اهانت کرد. سپس قاضی از او بپرسد: وی چه اهانتی به شما کرده است؟ آن شخص در پاسخ بگوید: فلانی به من گفت، تو شکل حیوان و چهار پا هستی؛ هر عاقلی می‌پذیرد که این مورد از موارد تشبیه است. بنابراین انکار و هابیت فایده‌ای ندارد.

نگاهی به ریشه‌ی تاریخ تشبیه

با توجه به آنچه در این جلسه و جلسات قبل بیان شد، واضح است که اندیشه‌ی

۱. برای اطلاع بیشتر به جزوات ۱۴۴ و ۱۴۵ مراجعه نمایید.

جسمیت خداوند و تشبیه صورت انسانی به چهره‌ی ساخته شده از پروردگار، جایگاه غیر قابل انکاری در منابع عامه و به خصوص وهابیت دارد. اکنون با نگاهی دقیق‌تر به واگوی ریشه‌های تاریخی ظهور این تفکر می‌پردازیم. با تأملی کوتاه در روایات، سرآغاز و ریشه‌ی احادیث تشبیه، به خوبی فهمیده می‌شود. حسین بن خالد می‌گوید^(۱):

«قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَاتِلْهُمْ اللَّهُ، لَقَدْ حَذَفُوا أَوَّلَ الْحَدِيثِ. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِرَجُلَيْنِ يَتَسَابَّانِ، فَسَمِعَ أَحَدَهُمَا يَقُولُ لِصَاحِبِهِ: قَبِّحْ اللَّهُ وَجْهَكَ وَوَجْهَ مَنْ يَشْبُهَكَ. فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! لَا تَقُلْ هَذَا لِأَخِيكَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صَوْرَتِهِ»^(۲).

به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! عده‌ای از مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتی نقل می‌کنند که ایشان صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند آدم را به شکل خودش آفرید. امام علیه السلام فرمودند: خدا ایشان را بکشد! ابتدای حدیث را حذف کرده‌اند. (ماجرای این قرار است که روزی) رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دو مردی که به هم دشنام می‌دادند، عبور کردند. حضرت صلی الله علیه و آله شنیدند یکی به دیگری می‌گوید خدا سیمای تو و هر که شبیه توست را قبیح و زشت

۱. وی جزو اصحاب حضرت امام کاظم علیه السلام بوده و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت نقل می‌کرده است (معجم رجال حدیث، جلد ۵، صفحه ۲۲۷).
 ۲. بحار الأنوار، جلد ۴، صفحه ۱۱؛ احتجاج، جلد ۲، صفحه ۴۱۰.

گرداند. با شنیدن این دشنام، پیامبر ﷺ به او فرمودند: ای بنده ای خدا! این دشنام را به برادرت نگو، زیرا که خداوند عزوجل حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را به شکل او آفرید.

بنابراین، ریشه‌ی تمام روایات جعلی به این داستان ساده‌ی اخلاقی بر می‌گردد. در این داستان رسول خدا ﷺ، انسان بد زبانی را از ناسزاگویی نهی کردند، زیرا از قضا، کسی که بدگویی متوجه او بود، شبیه ابوالبشر حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده است. ولی علمای اهل سنت، از جمله‌ی آخر پیامبر ﷺ سوء استفاده کرده‌اند و اوصاف ناروایی به پروردگار متعال نسبت داده‌اند.

نکته‌ای که از تمام احادیث تشبیه فهمیده می‌شود این است که سند این روایات به ابوهیره باز می‌گردد. او کسی است که تنها سه سال، رسول خدا ﷺ را درک نموده است^(۱)؛ اما در این مدت، بیش از پانصد حدیث از ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل نموده است. این در حالی است که بعضی از اصحاب پیامبر ﷺ که بیست و سه سال، در محضر ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ حاضر بودند، بیش از پنجاه حدیث نقل نکرده‌اند.

نکته‌ی دیگر آن که این نوع مباحث اعتقادی، نه تنها در زمان حیات رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ و حتی حکومت ابوبکر مطرح نشده بود، بلکه در بعضی موارد از طرح آن منع می‌شد، مثل روایتی از عایشه که روایت پروردگار را توسط پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ نفی کرده بود^(۲). اما در زمان حکومت عمر بن خطاب، این نوع مباحث که بخش عمده‌ای از اسرائیلیات و باورهای یهودیان را تشکیل می‌دهد، در سرزمین‌های

۱. صحیح بخاری، جلد ۲، صفحه ۵۲۶.

۲. برای اطلاع بیشتر به جزوه ۱۴۵ از جزوات به سوی معرفت مراجعه نمایید.

اسلامی پدیدار شد. خلیفه‌ی دوم، در زمینه‌ی تحریف و تخریب احکام الهی سابقه‌ی فراوانی دارد. در سال‌های گذشته، به مسئله‌ی منع تدوین و نقل حدیث توسط وی، مباحثی را ارائه دادیم^(۱). یکی از احادیثی که در منابع اهل سنت، از علمای یهود وارد شده است، حدیث ذیل می‌باشد:

« عن عبدالله قال: جاء حبرٌ من الأَحبارِ إلى رسول الله، فقال: يا محمد! إننا نجد إن الله يجعل السموات على إصبعٍ والأرضين على إصبعٍ والشجر على إصبعٍ، والماء على إصبعٍ، والثرى على إصبعٍ، وسائر الخلاق على إصبعٍ، فيقول: أنا الملك، فضحك النبي ﷺ حتى بدت نواجذه، تصديقاً لقول الحبر»^(۲).

عبدالله بن مسعود^(۳) می‌گوید: یکی از علمای یهود به حضور رسول اکرم ﷺ شرفیاب گردید و عرضه داشت: یا محمد ﷺ! در کتاب‌های مان می‌بایم خداوند در روز قیامت هر یک از آسمان‌ها، زمین‌ها، درخت‌ها، آب و خاک را بر روی انگشتان خود و سایر مخلوقات را بر روی انگشت دیگری قرار می‌دهد و می‌گوید: منم سلطان و مالک واقعی همه‌ی موجودات. در این هنگام رسول

۱. برای اطلاع بیشتر به کتاب سیری در آیات ولایت و امامت، جلد ۳، صفحه ۲۱۳، تألیف آیت الله یثربی مدظله و جزوه‌ی ۱۲۶ از سلسله جزوات به سوی معرفت رجوع کنید.
 ۲. صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۳۳؛ جلد ۸، صفحه ۱۷۴ و جلد ۸، صفحه ۲۰۲؛ صحیح مسلم، جلد ۸، صفحه ۱۲۵؛ مسند أحمد، جلد ۱، صفحه ۳۷۸.
 ۳. وی در مکه مسلمان شد و نزد اهل سنت دارای مناقب و فضایل زیادی بود (تهذیب الکمال، جلد ۱۶، صفحه ۱۲۲).

خدا ﷺ به عنوان تصدیق و تأیید گفتار عالم یہودی خندیدند، تا ۱۴۶
جایی کہ دندان‌های آسیاب حضرت ﷺ نمایان گردید.

در زمان حکومت خلیفہی دوم، این نوع روایات کہ اصطلاحاً بہ آن اسرائیلیات می‌گویند، تکثیر و منتشر شد و بین مردم رواج پیدا کرد. بعد از مرگ وی، این احادیث در حکومت‌های منحرف بنی امیہ و بنی عباس راه پیدا کرد. بر اساس این روایات، خداوند متعال تابع قوانین تکوین می‌باشد. یکی از قوانین تکوین این است کہ مرور زمان بر موجودات عالم تأثیر می‌گذارد و مثلاً انسان را از کودکی بہ جوانی و از جوانی بہ کهن سالی می‌رساند و سپس او را می‌میراند. یکی دیگر از قوانین تکوین، این است کہ ہر موجودی جسم بوده و نیاز بہ مکان دارد. اہل سنت، خداوند سبحان را از این قوانین مستثنی ندانستہ اند.

در پاسخ بہ این نظریات، باید گفتہ شود آیا خدایی کہ خالق تمام موجودات و قوانین تکوین است، محتاج و مقہور مخلوقات خود می‌شود؟ آیا این مطلب با عقل سازگار است؟ شیعیان بر اساس آموزہ‌های مکتب حقہی اہل بیت علیہم السلام معتقداند نہ تنها خداوند متعال، بلکہ حضرات معصومین علیہم السلام کہ ولایت بر تکوین دارند ہم، مقہور زمان و مکان نیستند. بہ ہمین دلیل با اینکه از زمان ولادت حضرت بقیۃ اللہ اعظم (عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف) بیش از ہزار و یکصد سال می‌گذرد اما ہنگام ظہور، چہرہی ایشان علیہ السلام همانند چہرہی جوان کمتر از چہل سال بہ نظر می‌رسد^(۱). لذا گذشت قرون و اعصار، تأثیری در حضرت علیہ السلام نمی‌گذارد و ایشان علیہ السلام را پیر و کهن سال نمی‌کند. بعضی افراد عقیدہ دارند حضرت علیہ السلام بہ

دلیل اینکه نکات بهداشتی را در تغذیه و جسم خویش رعایت می‌کنند و از استعمال هرگونه شی‌ای که زیان بار است خودداری می‌نمایند و تمام اموری که به سلامت روح و جسم انسان مربوط می‌شود را طبق قانون طبیعت رعایت کرده و عمل می‌کنند، هرگز پیر نمی‌شوند؛ اما نکته‌ی مهم آن است که ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ولایت بر کون و مکان داشته و صاحب زمان می‌باشند. زمان مقهورشان است و ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مقدم بر زمان می‌باشند و طبق قاعده، امر مؤخر نمی‌تواند بر امر مقدم تأثیر بگذارد و لذا زمان بر ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تأثیر نمی‌گذارد. در مورد پروردگار، سخن فراتر است؛ زیرا آن جناب خالق زمان و مکان بوده است و لذا نه زمان بر او تأثیر می‌گذارد و نه احتیاجی به مکان دارد.

خلیفه‌ی دوم و کتاب تورات

خلیفه‌ی دوم حرص و انگیزه‌ی عجیب و فراوانی برای فراگیری کتاب تورات داشت؛ کتابی که توسط یهودیان تحریف شده و مطالب آن کم یا اضافه شده بود. او می‌خواست عقاید جعلی و باطل کتاب تورات همچون مادی بودن پروردگار؛ بین مسلمانان نشر و گسترش بیابد.

اکنون به بررسی دو حدیث در این زمینه می‌پردازیم:

حدیث اول: عبدالله بن ثابت انصاری می‌گوید:

« جاء عمر بن الخطاب إلى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقال: يا رسول الله! إن مررتُ

بأخ لي من قريظة، فكتب لي جوامع من التوراة، ألا أعرضها عليك؟

قال: فتغير وجه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقال: قلتُ له: ألا ترى ما بوجه

رسول اللہ ﷺ؟ فقال عمر: رضينا بالله رباً وبالاسلام ديناً ۱۴۶
وبمحمد ﷺ رسولاً» (۱).

عمر بن خطاب به محضر رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا ﷺ! در بین قبیله‌ی بنی قریظه، برادری دارم که با او ملاقات کردم. او چند کتاب مختلف از تورات برای من تألیف کرد. آیا می‌توانم آن را به شما عرضه کنم؟ (راوی) می‌گوید: رنگ چهره‌ی رسول خدا ﷺ تغییر کرد و برافروخته شد. سپس (راوی) می‌گوید: به عمر گفتم: آیا خشم و عصبانیت رسول خدا ﷺ را نمی‌بینی؟ عمر گفت: همانا خداوند پروردگار ماست و اسلام دین ما و حضرت محمد ﷺ فرستاده‌ی خداست.

حدیث دوم: عبدالله بن ثابت انصاری می‌گوید:

« قال انطلقت أنا فانتسختُ كتاباً من أهل الكتاب ، ثم جئتُ به في أديم ، فقال لي رسول الله ﷺ : ما هذا في يدك يا عمر؟ قلت : يا رسول الله ! كتاباً نسخته لئن زاد به علماً إلي علمنا . فغضب رسول الله حتى احمرت وجنتاه . ثم نودي بالصلاة جامعة . فقالت الأنصار : أغضب نبيكم ، السلاح السلاح ! فجاؤوا حتى احدقوا بمنبر رسول الله ﷺ فقال : يا أيها الناس ! إنِّي قد أوتيت جوامع الكلم وخواتمه واختصر لي اختصاراً ولقد أتيتكم بها بيضاء نقية ، فلا تهوؤا ولا يغزؤنكم المتهوؤون » (۲).

۱. مسند أحمد، جلد ۳، صفحه ۴۷۰؛ مجمع الزوائد، جلد ۱، صفحه ۱۷۳.

۲. مجمع الزوائد، جلد ۱، صفحه ۱۷۳؛ کنز العمال، جلد ۱، صفحه ۳۷۱؛ الدر المنثور، جلد ۴، صفحه ۳.

عمر می گوید: نزد قبیله‌ای یهودی رفتم و کتابی از اهل کتاب را رونویسی کردم، سپس آن را در دستمالی پیچیدم. رسول خدا ﷺ به من فرمودند: ای عمر! این چیزی که در دست توست، چیست؟ گفتم: ای رسول خدا ﷺ! کتابی را رونویسی کرده‌ام تا علمی به علوم ما اضافه شود. در این هنگام رسول خدا ﷺ به قدری غضبناک شدند که گونه‌هایشان سرخ شد. سپس دستور دادند همگان برای نماز در مسجد جمع شوند. انصار به مردم گفتند: پیامبران غضبناک شدند، سلاح‌هایتان را به همراه بیاورید. همه‌ی مردم دور منبر رسول خدا ﷺ جمع شدند. سپس حضرت پیامبر ﷺ فرمودند: ای مردم! همانا خداوند به من علوم را تمام و کمال اعطا کرده است و تمام علوم در من خلاصه شده است، به تحقیق من برای شما پاکیزه‌ترین و زیباترین علوم را آوردم، پس سرگردان نشوید و افراد متحیر و نادان، شما را فریب ندهند.

در کتاب المنجد «تهوک» نادانی و سرگردانی معنا شده است^(۱). شخصی معنای «المتهوکون» را از رسول خدا ﷺ می‌پرسد:

«المتهوکون؟ قال ﷺ: المتحیرون»^(۲).

متهوکون چه کسانی هستند؟ حضرت ﷺ فرمودند: انسان‌های سرگردان.

۱. المنجد، ذیل واژه‌ی «هوک».

۲. المراسیل (أبی داود سجستانی)، صفحه ۳.

در این روایت، از انسان سرگردان، متحیر و کسی که نمی‌تواند حق را از باطل ۱۴۶ تشخیص دهد به انسان «متهوک» تعبیر شده است. بنابراین عمر بن خطاب، در دوران حیات حضرت رسول الله ﷺ توسط ایشان انسانی متحیر و سرگردان معرفی می‌شود. او کسی است که به خود اجازه می‌دهد تورات تحریف شده را به محضر رسول خدا ﷺ بیاورد و بگوید: به وسیله‌ی این کتاب، علم‌مان را افزایش می‌دهیم! در حالی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ تمام علوم و معارف الهی را دارا هستند و برای افزایش علم نیازی به کتاب تحریف شده‌ی تورات نیست.

علمای اهل سنت، خود را مدعی توحید صحیح دانسته و شیعیان را مشرک می‌پندارند^(۱)! حال با ملاحظه‌ی این روایات، آیا شیعیان مشرک‌اند یا کسانی که خداوند متعال را شبیه انسان پنداشته و می‌گویند پروردگار، صورت، دست و پا دارد؟! اهل سنت، شیعیان را به دلیل اعمالی مانند زیارت، تبرک و توسل سرزنش می‌کنند و مشرک می‌نامند در حالی که ایشان طبق دستور قرآن عمل می‌کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^(۲).

وسيله‌ای برای تقرب به او (پروردگار) بجوئید.

طبق عقیده‌ی شیعیان که برگرفته از کتاب و سنت صحیح است، اهل بیت ﷺ، اسباب و وسائل تقرب به درگاه الهی هستند.

۱. امروزه شیعیان هنگامی که به مدینه‌ی منوره مشرف می‌شوند، با تمام وجود علاقه‌منداند ضریح رسول خدا ﷺ را لمس کنند و بر پنجره‌های ضریح حضرت ﷺ بوسه‌ی عشق و ارادت بزنند؛ اما ماموران اهل سنت در کشور عربستان، از این عمل جلوگیری کرده و نسبت شرک به شیعیان می‌دهند.

۲. سوره مائده، آیه ۳۵.

قرآن و کتاب تورات

پس از روشن شدن ارتباط تورات با احادیث نادرستی که در صحیح ترین منابع عامه آمده است، ضروری می نماید که دیدگاه دانشمندان مطرح اهل سنت در مورد تورات بازخوانی شود.

علما و بزرگان اهل سنت همچون بخاری معتقداند تمام مطالبی که در تورات تحریف شده وجود دارد، صحیح و قابل قبول می باشد. از سوی دیگر خداوند متعال در قرآن، به تحریف تورات تصریح می کند و می فرماید:

﴿فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَآئِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ﴾^(۱).

ولی به خاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل های آنان را سخت و سنگین نمودیم. سخنان (خدا) را از مورد اش تحریف می کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند و هر زمان، از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می شوی، مگر عده ای کمی از آنان.

بخاری در تفسیر این آیه می گوید: «یحرفونه» در آیه ی فوق، به معنای تحریف لفظی تورات نیست، بلکه تحریف معنوی و تأویل در معنا رخ داده است. وی در ذیل تفسیر آیات

۱. سوره مائده، آیه ۱۳.

﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿۱﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿۲﴾﴾ .

(این آیات، سحر و دروغ نیست) بلکه قرآن با عظمت است * که در لوح محفوظ جای دارد.

اضافه می‌کند:

« يَحْرَفُونَ يَزِيلُونَ وَ لَيْسَ أَحَدٌ يَزِيلُ لَفْظَ كِتَابٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ،
وَلَكِنَّهُمْ يَحْرَفُونَهُ : يَتَأَوَّلُونَهِ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ »^(۱).

تحریف کردند آن را یعنی آن را مخلوط کردند؛ در حالی که کسی نیست که لفظی از کتاب خداوند را مخلوط و جابه جا کند و لیکن یهودیان تحریف نمودند، یعنی آن را بر غیر معنای اصلی اش تأویل بردند.

بخاری با پیروی از پیشوای خویش، عمر بن خطاب، از یهودیان که در قرآن، ملعون شناخته می‌شوند، دفاع می‌کند. ابن تیمیه در کتاب «العقل في فهم القرآن» تمام اباطیل یهودیان؛ همچون جسمانی بودن خداوند متعال و شبیه‌سازی برای او را می‌پذیرد؛ اما می‌گوید: « بعضی از یهودیان اشتباه کردند و معتقداند عزیر پسر خداست »^(۲).

ابن تیمیه در حالی به این سخن اعتراف می‌کند که اگر قرآن در مقام ردگفته‌ی یهودیان، به صراحت نمی‌فرمود:

۱. صحیح بخاری، جلد ۸، صفحه ۲۱۶.

۲. العقل في فهم القرآن، صفحه ۸۸.

﴿ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ ﴾ (۱).

یهود گفتند: عزیر علیه السلام پسر خداست!

قطعاً این ایراد را از بعضی یهودیان نمی‌گرفت و این اشتباه را انکار نمی‌کرد. مقلد و پیرو بزرگ ابن تیمیه؛ محمد بن عبدالوهاب، بعد از نقل حدیث مربوط به حضور عالم یهودی در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (۲)، می‌گوید: حضرت صلی الله علیه و آله و سلم قبل از گفتار این عالم یهودی، معنای توحید را نمی‌دانستند و با تبسمی، قول آن عالم یهودی را تصدیق نمودند (۳). بعد از آن، قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد که در آن، خداوند می‌فرماید:

﴿ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ﴾ (۴).

و آسمان‌ها پیچیده در دست اوست.

علمای اهل سنت مقام والای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را نادیده می‌گیرند؛ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خاتم و افضل انبیا علیهم السلام هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: مَثَلُ مَنْ دَرَمَ بَيْنَ بِيَامِرَانَ مَانِدَ مَرْدِي اسْتِ كِهْ خَانَهْ اِي رَابِنَا كَرْدَهْ وَ اَرَا سْتَهْ اسْتِ، مردم برگرد آن جمع می‌شوند و می‌گویند: بنایی زیباتر از این نیست جز این که یک خشت آن خالی است و من پرکننده‌ی آن خشت خالی هستم. از این رو نبوت پیامبران با ظهور من پایان پذیرفت (۵).

۱. سوره توبه، آیه ۳۰.

۲. حدیث اول در صفحه ۱۰، همین جزوه.

۳. توحید (محمد بن عبدالوهاب)، صفحه ۳۰۱.

۴. سوره زمر، آیه ۶۷.

۵. تفسیر المیزان، جلد ۱۶، صفحه ۳۲۷؛ از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۷، صفحه ۶۵.

از مجموع سخنان بخاری، ابن تیمیه و عبدالوهاب به این نتیجه می‌رسیم: ۱۴۶
 الف - تورات تحریف نشده است و اگر تحریف را بپذیریم، تحریف لفظی نیست بلکه تحریف معنوی رخ داده است.

ب - تمام مطالبی که در کتاب تورات ذکر شده است همانند تشبیه و تجسیم برای پروردگار را می‌پذیرند و معتقداند قرآن، بیان‌کننده‌ی مطالبی است که در کتاب تورات بیان شده است.

تحریف لفظی یا معنوی؟!

قرآن در آیات فراوان، تمام ادعاهای اهل سنت را باطل می‌کند و کتاب تورات فعلی را تحریف شده‌ی لفظی می‌داند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

۱. ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُحْفُونَ كَثِيرًا وَعُلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ﴾^(۱).

آنها خدا را درست نشناختند که گفتند: خدا هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است! بگو: چه کسی کتاب را که موسی عليه السلام آورد نازل کرد؟ کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود. اما شما آن را به صورت پراکنده قرار می‌دهید، قسمتی را آشکار و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدرانتان، از آن با خبر نبودید.

۲. ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾^(۱).

آنها (یهودیان) به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران علیهم‌السلام را به ناحق می‌کشتند. اینها به خاطر این است که گناه کردند و (به حقوق دیگران) تجاوز می‌نمودند.

در بعضی از روایات نقل شده است که یهودیان ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب، هفتاد پیامبر الهی علیهم‌السلام را سر بریدند و سپس مغازه‌های خود را باز می‌کردند؛ مثل اینکه کاری انجام نداده بودند^(۲)! آیا کسانی که به راحتی رسولان الهی علیهم‌السلام را می‌کشتند، جابجایی و تحریف مطالب کتاب الهی برای آنها راحت‌تر نیست؟

۳. ﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^(۳).

در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند) از کتاب (خدا) است در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: آن از طرف خداست! با اینکه از طرف خدا نیست و به خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند!

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۲.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۴، صفحه ۳۶۵.

۳. سوره آل عمران، آیه ۷۸.

۴. ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ

اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (۱).

آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند!؟

۵. ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا

عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾ (۲).

همان‌ها که از فرستاده‌ی (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند، پیامبری که صفات‌اش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند.

بر اساس این آیه، یهودیان، نام پیامبر ﷺ را از کتاب‌های تورات و انجیل حذف می‌کردند تا نسل‌های آینده از آن اطلاعی پیدا نکنند.

۶. ﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى

نَفْسِهِ مِن قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأَتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ

صَادِقِينَ﴾ (۳).

همه‌ی غذاها (ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعقوب عليه السلام) پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود (مانند گوشت شتر که برای او ضرر داشت) بگو: اگر راست می‌گویید، تورات

۱. سوره بقره، آیه ۷۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۳. سوره آل عمران، آیه ۹۳.

را بیاورید و بخوانید!! (این نسبت‌هایی که به پیامبران پیشین علیهم‌السلام

می‌دهید، حتی در تورات تحریف شده‌ی شما نیست!).

با توجه به آیات فوق، آیا باید قرآن را رها نموده و مسائل توحیدی و اعتقادی خود را از منابعی استخراج کنیم که به صراحت قرآن، تحریف شده‌ی احبار و علمای یهود است؟ این منابع، دست خورده‌ی خاخام‌ها و دین‌فروشان است که برای رضای حاکمان و صاحبان قدرت و ثروت، کلام خداوند را جابجا می‌کردند. متأسفانه، در زمان حاضر نیز احکام الهی برای رسیدن به قدرت و ثروت جابجا می‌شود. البته این حرکت انحرافی در دنیا تازگی ندارد و منشأ آن به انسان‌های شیطان‌صفتی باز می‌گردد که بشریت از ابتدا، مبتلا به این افراد بوده است.
 إن شاء الله، خداوند همگان را از شرّ نفسانیات محافظت بفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خودآزمایی

- ① طبق روایات اهل سنت ، چرا نباید به صورت انسان سیلی زد ؟
- ① از احادیث جعلی تشبیه پروردگار ، چه نکاتی به دست می آید ؟
- ① سرآغاز و ریشه‌ی احادیث تشبیه ، کدام روایت است ؟
- ① طبق فرمایش حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ چرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شخص بدزبان را از ناسزاگویی نهی نمودند ؟
- ① از چه زمانی ، عقاید باطل اهل سنت در توصیف پروردگار مطرح شد ؟
- ① دو نمونه از قوانین تکوین را نام ببرید ؟
- ① انگیزه‌ی خلیفه‌ی دوم ، برای فراگیری کتاب تورات چه بود ؟
- ① به چه کسانی ، انسان « متهوک » می‌گویند ؟
- ① قرآن ، کتاب تورات فعلی را چگونه معرفی می‌کند ؟
- ① بخاری ، تحریف در کتاب تورات را چگونه تفسیر کرد ؟
- ① محمد بن عبدالوهاب درباره‌ی روایت حضور عالم یهودی در نزد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه می‌گوید ؟

خلیفه‌ی دوم حرص و انگیزه‌ی عجیب و فراوانی برای فراگیری کتاب تورات داشت؛ کتابی که توسط یهودیان تحریف شده و مطالب آن کم یا اضافه شده بود. او می‌خواست عقاید جعلی و باطل کتاب تورات همچون مادی بودن پروردگار؛ در بین مسلمانان نشر و گسترش بیابد. اکنون به بررسی دو حدیث در این زمینه می‌پردازیم: حدیث اول: عبدالله بن ثابت انصاری می‌گوید: ... عمرین خطاب به محضر رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا ﷺ! در بین قبیله‌ی بنی قریظه، برادری دارم که با او ملاقات کردم. او چند کتاب مختلف از تورات برای من تألیف کرد. آیا می‌توانم آن را به شما عرضه کنم؟ (راوی) می‌گوید: رنگ چهره‌ی رسول خدا ﷺ تغییر کرد و برافروخته شد. سپس (راوی) می‌گوید: به عمر گفتم: آیا خشم و عصبانیت رسول خدا ﷺ رانمی‌بینی؟ ... (صفحه ۱۲ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:

ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.

■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.

■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن

همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir